

نوع بشر تأثیر می‌نهند، پیوند دارد. بنابراین باید به طرح دیدگاه اسلام درباره این شهر مقدس به نحوی صریح و خالصانه و ورای نکات ظریف دیپلماتیک بپردازیم و بر تصویر معنوی بیت المقدس تمرکز نماییم، همان امری که عنوان اسپانیایی کنفرانس حاضر یعنی *Mistica Jerusalem* بدان اشاره دارد.

پیش از پرداختن به بعد عرفانی و علوی بیت المقدس لازم است که در باب بیت المقدس زمینی به عنوان سرزمین و شهری مقدس مطالبی ارایه شود. برخلاف ادعای متعارف، بیت المقدس شهری یکدست نیست، بلکه تا آنجا که به پیروان سه دین توحیدی ابراهیمی مربوط است عملاً شهری دارای تمایزات بارز است. یعنی، یک بیت المقدس اسلامی، همچنین یهودی و اسلامی وجود دارد. شاید کسی بگوید که بیت المقدس فقط در اندیشه خداوند یکی است و تنها در صورت پذیرش اتحاد اجزای آن توسط ماست که وحدت آن بر روی زمین تحقق می‌یابد؛ اتحادی متعالی که ورا و در عین حال یکدست‌کننده

دیدگاه اسلام درباره اهمیت معنوی بیت المقدس

سیدحسین نصر

کنفرانس *Jerusalem Mistica*

کاراکاس (ونزوئلا) - ۱۹۹۶

ترجمه: حجت‌الله جوانی

استادیار گروه ادیان و عرفان

دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا

بیت المقدس به سبب دلایل مادی و معنوی بسیار حایز اهمیت است. برای مؤمنان به خصوص کسانی که دل در گرو جهان توحیدی ابراهیم (ع) دارند، بیت المقدس نخستین و فرجامین دغدغه است. بیت المقدس از این رو حایز اهمیت است که صلح بین دینهای یهود و مسیحیت و اسلام در دنیای امروز تا حد زیادی به حال و آینده این شهر وابسته است. از این رو دغدغه فرجامین مؤمنان است که این شهر برای فرزندان ابراهیم تنها یک شهر مقدس نیست، بلکه شهری است که با هدف غایی بشریت و واقعیت‌های آخرت‌شناختی واجد اهمیت جهانی که در نهایت بر هستی تمام

اجزاء متمایز شهر است که ضمناً بیانگر و حافظ تقسیماتی است که براساس مکاشفات وحیانی سه دین توحیدی که به‌طور ملموس در شهر حضور دارند، پدید آمده است. هیچ مکاشفه و یا تصویر دینی ویژه‌ای نمی‌تواند سایر تجلیات شهر را به بهانه ایجاد وحدت موردنظر خود محو نماید. وحدت بیت‌المقدس یا وحدت جامعی است که تنوع ادیان موجود آن را شامل می‌گردد و یا رویایی خطرناک است که محقق نمی‌شود مگر اینکه به کابوسی تفرقه‌افکن منجر گردد.

بیت‌المقدس محلی است که داود نبی در آن معبد ساخت، زندگی دنیوی مسیح در آنجا به‌سر آمد و پیامبر اسلام به بهشت عروج نمود. همان‌طور که خداوند بارها از آزادی سخن گفتن و وحی نمودن برخوردار است، هر گیرنده و مخاطب پیام الهی نیز نه تنها از آزادی پذیرش پیام برخوردار است، بلکه موظف به اجرای تکالیف ناشی از پذیرش پیام نیز هست. یهودیان با پذیرش مجموعه وحی‌هایی که به انبیاء بنی‌اسرائیل نازل شد، مکلف

گشته‌اند که در طول تاریخ خویش حتی در طی دو هزار سال تبعید و آوارگی که در آن مدت فریاد «سال بعد بیت‌المقدس» مکرر بیان می‌شد حتی هنگامی که این ندا بی‌وجه به‌نظر می‌رسید، به بیت‌المقدس تعلق داشته باشند. به همین ترتیب، مسیحیان نیز با پذیرش مسیحیت مکلف به نوعی تعلق به بیت‌المقدس گشته‌اند. چنان‌که آباء آنها به قصد تسلط مجدد بر این شهر مقدس بیش از یک قرن به جنگ‌های خونین مشهور به جنگ‌های صلیبی مبادرت ورزیدند. آنان کلیساهای خود را در اروپا به سمت بیت‌المقدس بنا نمودند و در طی دو هزار سال گذشته همواره برای زیارت به این شهر مقدس سفر کرده‌اند.

به‌دلایلی که در سطور آتی بیان خواهد شد، تعلق مسلمین به بیت‌المقدس به هیچ‌وجه کمتر از یهودیان و مسیحیان نیست. هر قدر ثروت، قدرت، زمین یا سایر مزایای دنیوی هم که ارایه شود، فلسطینیان، اعراب و حدود یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان حاضر به هیچ بهایی نمی‌توانند بیت‌المقدس را از دست

دهند. تعلق مسلمین به بیت‌المقدس ابدی است و به درازای تاریخ بشر دوام خواهد یافت. به‌علاوه، اعمال قدرت دنیوی امروزین به اندازه سر سوزنی بیش از آنچه دو هزار سال تبعید یهود از این شهر مقدس موجب تغییر تعلق آنان به بیت‌المقدس گردید، بر این رابطه تأثیر نخواهد داشت. در حقیقت یهودیان سنت‌گرا و پارسایی که به بیت‌المقدس تعلق بسیار شدید دارند، باید بهتر از هر کس دیگری شدت وابستگی مسلمین به این شهر مقدس را درک نمایند.

اکنون شرح دلایل تعلق زیاد مسلمین به بیت‌المقدس و همچنین دلیل اهمیت معنوی این شهر که این وابستگی را نه فقط مادی و دنیوی بلکه معنوی و دینی می‌کند، ضروری می‌نماید. در واقع، سه دلیل عمده هست که به‌دلیل چهارمی منجر می‌شوند. دلیل نخست اینک، خداوند بیت‌المقدس را به‌عنوان اولین قبله مسلمین انتخاب نمود. زمانی که خداوند دستور برگزاری نمازهای یومیه را به‌صورت تکلیفی که هر عضو جامعه اسلامی باید

همچون اساسی‌ترین رکن اسلام انجام دهد، به پیامبر اعلام نمود، قبله برگزیده شده برای برگزاری نماز بیت‌المقدس بود. بنابراین، بیت‌المقدس قبله‌الاولی نامیده شد و در عظمت والای مکانی که به‌سوی آن نماز می‌برند، با مکه شریک است.

در بیرون مدینه مسجدی مشهور به‌نام مسجد ذوقبلتین هست که یک قبله آن به‌سمت بیت‌المقدس و دیگری به‌سوی مکه است. اگرچه مسجد ذوقبلتین قدیمی حدود ۵۰ سال قبل ویران گردید، اما عبدالواحد الوکیل به‌جای آن مسجد جدید زیبایی ساخت که نظیر مسجد سابق تغییر قبله از بیت‌المقدس به مکه را نشان می‌دهد. در اذهان مسلمین عزت و اهمیت قبله نخست و بنابراین نقطه محوری زمین برای نخستین جامعه اسلامی پیوسته با بیت‌المقدس یکی تلقی شده و هرگز به فراموشی سپرده نخواهد شد. هنگامی که مسلمین به‌سوی مکه که مرکز متعالی جامعه اسلامی است، رو می‌نمایند و همان‌طور که بیت‌المقدس به تمام خانواده ابراهیم (ع) تعلق دارد، در

حقیقت بیت المقدس به نحوی رازگونه در نمازهای شرعی یومیه مسلمین حضور دارد. از بیم آنکه مبدا این امر فراموش گردد، باید یادآوری نماییم که اسلام نشانه بازگشت چرخه ادیان توحیدی به منشاء ابراهیمی شان است و بنابراین اسلام بر نقش بیت المقدس به مثابه مرکز متعالی جهان ادیان ابراهیمی و اگر به زبان رمزی سخن بگوییم، تقسیم این مرکز به بیت المقدس و مکه و اتحاد مجدد آنان در پایان زمان نیز مجدداً تأکید می نماید.

دلیل دوم اهمیت بیت المقدس به قسار زیر است: بیت المقدس مکان آغاز معراج پیامبر اسلام (ص) به حضور خداوند بود. قرآن موضوع را چنین بیان می کند: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لئریه من اياتنا، انه هو السميع البصیر» (۱۷: ۱). به علاوه، احادیث زیادی از پیامبر و همچنین تفاسیر سنتی وجود دارند که معنای آیه را وضوح بخشیده و اهمیت معراج را توضیح می دهند: معراج با معنای باطنی نمازهای یومیه پیوند دارد و نمونه

درک معنوی در اسلام به ویژه در بعد باطنی آن است، که با تصوف مرتبط می باشد. در واقع، بر طبق تعبیر حکیمانهای به زبان عربی، نماز معراج مؤمن است. بنابراین، دلیل دوم اهمیت معنوی بیت المقدس به مکه برمی گردد؛ زیرا سفر اعجازگونه پیامبر که به فرمان خداوند صورت پذیرفت، از مکه آغاز شد و ایشان از آنجا به طور افقی به بیت المقدس و سپس به نحو عمودی به نزد خداوند صعود نمود. یعنی این شهر در محل تلاقی ابعاد افقی و عمودی هستی قرار دارد که به زبان فلسفی شبیه محل تلاقی دو بعد صلیب برای مسیحیان است. علاوه بر این، پیوند معنوی بین نماز به سوی مکه و معراج یا صعود درونی روح - که نمازها برای کسانی که به لحاظ معنوی شایسته هستند - فراهم می آورند، با بیت المقدس مجدداً باعث حفظ پیوند درونی و مقدس بیت المقدس و مکه در حیات عبادی مسلمین می گردد.

سومین دلیل اهمیت معنوی بیت المقدس به تعالیم آخرت شناسانه اسلامی مربوط است. در غرب تعداد خیلی

از مردم از این مطلب مطلع هستند که براساس منابع سنتی اسلامی، به‌ویژه جوامع حدیثی پیامبر اسلام، چرخه تاریخ با بازگشت مسیح و نه پیامبر به پایان می‌رسد. بنابراین، مسلمین و مسیحیان به‌طور مشترک به آموزه آمدن مجدد مسیح و حوادث فراوان قبل از ظهور وی نظیر ظهور دجال که ضد مسیح است، باور دارند. به علاوه، مسلمین و مسیحیان حوادث مربوط به آخرت به‌ویژه آمدن مجدد مسیح را با بیت‌المقدس مرتبط نموده‌اند. از نظر مسلمین، محل نزول مسیح، دمیده شدن ناقور، رستاخیز مردگان و انجام قضاوت فرجامین است. دلیل اینکه مسلمین در طی قرون خواهان آن بوده‌اند که در بیت‌المقدس دفن شوند، همین امر است.

همچنین منابع سنتی اسلامی پایان جهان را برابر با ویرانی بیت‌المقدس می‌دانند. ممکن است سؤال شود که واژه «ویرانی» [بیت‌المقدس] در این متن به چه معناست. آیا مراد نابودی هویت شهر و ویرانی محیط و مکانهای مقدس آن با ایجاد معماری به‌طور عمده دنیوی و عرفی است؟

یا مقصود از نابودی، ساختن هتل بر فراز کوه زیتون یعنی جایی که مسلمین و مسیحیان انتظار نزول مسیح را دارند، می‌باشد؟ یا منظور ویرانی شهر به‌طور کامل در خلال جنگ بین یهودیان و مسلمین است؟ و یا جنگ شهری بین پیروان ادیان ابراهیمی در درون بیت‌المقدس مورد نظر است؟ از نظر اسلامی فقط می‌توان گفت الله اعلم. در هر حال، هر معنایی که از این باور مسلمین در خصوص رابطه بین تقدیر بیت‌المقدس و جهان مدنظر باشد، بر اهمیت آخرت شناختی بیت‌المقدس می‌افزاید که هیچ توافق یا عدم توافق دنیوی بین فعالان کنونی صحنه بیت‌المقدس نمی‌تواند موجب تغییر آن شود. هنگامی که یک مسیحی یا یهودی در غرب دلیل اهمیت بیت‌المقدس برای مسلمین را جویا می‌شود، هرگز نباید به این عنصر آخرت‌شناختی بی‌اعتنایی نماید؛ زیرا این عنصر بر واقعیت‌های فراتاریخی دلالت می‌نماید که ورای زمان بوده و مدام در ذهن و روح مسلمین جای دارند.

واقعیت‌های سه‌گانه مذهبی زیر که در ذهن مسلمین با بیت‌المقدس پیوند

خورده‌اند، یعنی قبله نخست مسلمانان بودن، پایگاه معراج پیامبر و محل حوادث آخرت واقع شدن این شهر که موجب اتمام تاریخ می‌گردد، به دلیل چهارم در اهمیت والای مذهبی بیت‌المقدس منجر شده است، یعنی اینجا به مرکز عمده مهاجرت تبدیل شده است. بیت‌المقدس لفظ عربی اورشلیم است و مسلمانان همواره به آنجا به چشم حرمی مقدس نگریسته‌اند که باید به زیارت آن بروند. در خصوص اهمیت زیارت این شهر مقدس، مسلمانان و یهودیان به نحو مساوی اشتراک نظر دارند و نیاز به آزاد کردن این شهر برای انجام زیارت توسط مسیحیان و دسترسی آنان به آن یکی از بهانه‌های مبادرت به جنگ‌های صلیبی بود. حال آنکه در طی ۱۳ قرن از ۱۴ قری که بیت‌المقدس در اختیار مسلمانان بود، همواره زیارت آن برای یهودیان و مسیحیان میسر بود و اماکن مقدسشان در آن شهر مورد حمایت مسلمانان بود.

در هر حال تا جایی که به اسلام مربوط است، زیارت بخش عمده‌ای از مناسک آن است و امروزه در مقایسه با

نقشی که برای بخش عمده‌ای از مسیحیت ایفا می‌کند، حایز اهمیت بیشتری است. هر چند که مسیحیت به‌ویژه مذاهب کاتولیک و پروتستان هیچ‌گاه زیارت را حذف نکرده‌اند. البته مهم‌ترین زیارت واجب در اسلام - چنانچه همه شرایط مقرره توسط شریعت فراهم شود، - حج است که باید در موقعی معین بر حسب تقویم اسلامی انجام پذیرد. در طی ۱۴ قرن گذشته تا سال ۱۹۶۷ که موجب سلب کنترل حکام مسلمانان بر بیت‌المقدس شد، بیشتر کسانی که به زیارت حج می‌رفتند اقدام به زیارت بیت‌المقدس، به‌عنوان سومین شهر مقدس که باید زیارت شود، می‌نمودند. زائرانی که از بلاد شمالی نظیر ترکیه، قفقاز و سوریه می‌آمدند یا در هنگام عزیمت به سوی مکه و مدینه و یا در بازگشت از حجاز بیت‌المقدس را توقفگاه کاروانها و بعدها ماشین و اتوبوس‌هایشان قرار می‌دادند. کسانی که از سرزمینهای شرق، غرب یا جنوب عربستان یعنی ایران، مصر، یمن، هند، سومالی، سواحل شرقی آفریقا و غیره می‌آمدند، به‌منظور تکمیل نمودن زیارت

سالانه‌شان سفری مستقل به بیت‌المقدس، به‌عنوان سومین شهر مقدس اسلام، انجام می‌دادند. در طی قرون کتابهای زیادی در خصوص چگونگی زیارت بیت‌المقدس و اماکن مقدس آن نظیر کتابهای مخصوص زیارت مکه و مدینه نگاشته شد. بسیاری افراد هم در اوقات مختلف از سال به زیارت بیت‌المقدس می‌رفتند. به‌دشواری می‌توان تأثیر عدم امکان تکمیل نمودن زیارت همه این شهرهای مقدس که به‌واسطه شرایط کنونی زیارت بیت‌المقدس برای مسلمین ناممکن شده است، را بر ذهن و روح مسلمین ارزیابی نمود.

با توصیف اهمیت معنوی بیت‌المقدس دست‌کم در سطحی که به مهم‌ترین عوامل مربوط بود، اکنون می‌توان به اهمیت عرفانی بیت‌المقدس که به گمان من همان اهمیت و معنای مابعدالطبیعی، باطنی و معنوی آن است، بپردازیم. بگذارید با قبله آغاز کنیم؛ یعنی جایی که باید قبل از هر چیز به اهمیت ژرف آن در رابطه با بیت‌المقدس و مکه پی ببریم. از نظر یک فرد مسلمان در هر نقطه زمین که وی زندگی

کند، یک خط نامشهود وجود دارد که وی را به مکه؛ یعنی جایی که همه خطوط در نقطه‌ای واحد با یکدیگر برخورد می‌کنند، وصل می‌کند. تصور یک سطح صاف درست همان‌طور که زمین در تجربه بلافصل ما پدیدار می‌شود، با لوازم و مقتضیات چنین رابطه‌ای بسیار ساده‌تر است. در یک نقشه صاف همه این خطوط نظیر میدان بردار در فیزیک هستند که همگی روی نقطه واحد - مراد مکه است - تقارن پیدا می‌کنند. البته همین وضع برای زمین به‌عنوان یک کره که ستاره‌شناسان و جغرافی‌دانان مسلمان از آن مطلع بودند، دوام یافته است. در عین حال، برای غیرمتخصصین تصور وضعیت کروی به‌صورت سطح صاف تا حدی دشوار است. در هر حال، از نظر مسلمین فضا با همه نقاط روی زمین که با مکه - محور والای جهان اسلام و جایی که محور برداری آن آسمان و زمین را وصل می‌کند - مرتبط هستند، قطبی ویژه پدید آورده است. بنابراین، قبله قطب و مرکز کیهان اسلامی و نقطه پیوند آن با مراتب عالی‌تر وجود است.

همان‌طور که پیشتر بیان شد، بیت‌المقدس - محل تلاقی ادیان ابراهیمی - قطب جهان ابراهیمی به‌مثابه یک مجموعه است. هنگامی که اسلام ظهور نمود با برگزیدن بیت‌المقدس به‌عنوان قبله توسط خداوند تأکید آن بر توحیدگرایی محض ابراهیمی تصدیق گشت. سپس در اثر فرمان مستقیم خداوند قبله به‌سمت مکه تغییر یافت و مکه جایی است که دارای پیوند با ابراهیم است که کعبه را در مرکز آن ساخت. کعبه از نظر اسلام جایگاه واقعی تلاقی محور آسمانی با زمینی است. برعکس بیت‌المقدس که مرکز حوادث تاریخی جهان مدیترانه شرقی بوده است، مکه یعنی حریم ازلی که از نظر تاریخی مقدم بر بیت‌المقدس است، فراموش شده باقی ماند و تقدیر چنین بود که فقط با ظهور اسلام به روشنایی تاریخ وارد شود. اسلام با برگزیدن مکه به‌عنوان قبله بر هویت مستقل خود به‌عنوان یک دین جدید از خانواده ادیان ابراهیمی تأکید ورزید. دینی که دارای مرکز مستقل عبادی است. در عین حال، این معنا که مکه قبله

دوم و نه نخست بود - و این افتخار برای بیت‌المقدس باقی ماند - نشانگر پیوند جدانشدنی اسلام و توحیدگرایی ازلی آیین ابراهیم است. در برخی روایات آمده است که مکه به‌واسطه فرمان خداوند به‌عنوان قبله از بیت‌المقدس - که در آغاز با آن یکی بود - جدا گردید و به جنوب یعنی محل قدیمی‌ترین معبد رفت و در آخرالزمان دوباره این دو قبله با هم یکی می‌شوند. همان‌طور که اسلام، آخرین دین توحیدی، با کل میراث آیین ابراهیم یکی خواهد شد. از نظر اسلام، واقعیت باطنی بیت‌المقدس و مکه به‌عنوان اولین و دومین قبله یکی است و تفاوت در نقشه دنیوی نمی‌تواند مایه جدایی این اتحاد شود. بیت‌المقدس قطب و محور یهودیت، مسیحیت و اسلام به‌عنوان وارثان آیین توحیدی ابراهیم است. این قطب به محور ازلیش برمی‌گردد و هرگز نمی‌تواند از آن محور - جایی که فرزندان ابراهیم هم با آن مواجه می‌شوند - جدا گردد. مسلمان نمی‌تواند در نمازهای روزانه به‌سوی مکه به رکوع رود اما به آن شهر ابراهیم که در شمال مکه است و

خداوند آن را قبله نخست مسلمین نمود، بی توجه باشد. این دو واقعیت در عالی ترین مرتبه با هم درآمیخته‌اند و بر همین منوال مسلمین نیز تا امروز بهره‌ای از حال و هوای دنیای ابراهیم و شیوخ سامی را - حتی بیش از یهودیان و مسیحیان غربی - حفظ نموده‌اند. مسلمین به معنای والای کلمه به بیت المقدس، محل التقای سه خانواده ادیان ابراهیمی، وابسته باقی مانده‌اند.

حال نوبت آن است که به معراج یعنی دومین دلیل اهمیت دینی بیت المقدس نزد مسلمین بپردازیم. برای درک اهمیت واقعه معراج و ارتباط آن با بیت المقدس کافی است که به منظره این شهر و به خصوص مسجدالصخره که مشرف به آن می‌باشد، نگاهی بیندازیم. مسجدالصخره در اصل توسط عمر ساخته شد و شکل فعلی آن توسط عبدالملک خلیفه اموی پدید آمد و توسط عباسیان و مملوکها بخشهایی بدان اضافه شد. در سالهای اخیر، ملک حسین شاه اردن جدیدترین تعمیرات و بازسازی مسجد را انجام داد. مسجدالصخره که یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی ترین مساجد

اسلامی است، به شکل بسیار روشنی بیانگر کیهان‌شناسی دنیای اسلام سنتی است. گنبد مسجد، نظیر گنبد معماری مقدس سایر سنتهای دینی، نماد بهشت است. در حالی که هشت ضلع آن نما و عرش الهی است که بر حسب روایات اسلامی توسط هشت فرشته حمل می‌گردد. مقصود از عرش، همان است که پیامبر (ص) در معراج خود از صخره - که در مرکز مسجد واقع و نام مسجد از آن گرفته شده است - به آن صعود نمود. حضور تاریخی این شاهکار معماری اسلامی در خط افق بیت المقدس که تجسم‌کننده اصول کیهان‌شناسی اسلامی است، روشن‌ترین دلیل بر ارتباط این شهر با جهان اسلام و همچنین تجربه والای معنوی پیامبر (ص)، مشهور به معراج، است که در خصوص آن آثار ادبی و هنری اسلامی به وفور پدید آمده است.

آثار بی‌شماری درباره معراج نوشته شده است که در این نوشتار مجال غور در همه رازهای آن نیست، اما لازم است مختصری درباره آن سخن بگویم تا از نظر عرفانی و معنوی اهمیت بیت المقدس در

بینش اسلامی نسبت به جهان را مطرح نمایم. سفر اعجاز‌گونه پیامبر (ص) زمانی انجام شد که او در مکه بود. از آنجا توسط جبرئیل مقرب در ابتدا به صورت افقی به بیت‌المقدس و سپس به‌طور عمودی به قرب الهی برده شد. وی به مقامی چنان نزدیک به خداوند نایل شد که فرشته مقرب هم نتوانست او را در آخرین مرحله این سفر - قرب الهی - همراهی نماید، مبادا که پر وی بسوزد و این یعنی که پیامبر (ص) به مرتبه‌ای رسید که بر فرشته مقرب هم پیشی گرفت. پیامبر (ص) در طی سفر به‌سوی خداوند که به‌طور نمادین توسط کرات نشان داده می‌شود اما قابل تحویل به آنها نیست، با انبیاء مختلفی از جمله موسی و عیسی مواجه شد و در مرحله پایانی این سفر به معرفت والای وحدت خداوند نایل شد. به‌علاوه این سفر از لحاظ جسمی و معنوی نظیر عروج مسیح از کوه تبور (Tabor) است. همچنین پیامبر (ص) در طی معراج به اسرار باطنی نمازهای یومیه که قلب پرستش اسلامی هستند، پی برد. معراج قبل از هر چیز نمونه درک کامل معنوی در اسلام است و علت اینکه

تعداد زیادی از صوفیان درباره معراج به‌عنوان الگوی درک معنوی مطلب نوشتند نیز همین امر است. آثار آنان درباره معراج به‌نحو غیرمستقیم بر ساختار کمدی الهی دانه تأثیر نهاد. همان‌طور که پیشتر بیان شد، نمازهای یومیه معراج مؤمنان واقعی لقب گرفته‌اند. جز اینکه معراج مردان و زنان معنوی تنها روحانی است، اما معراج پیامبر (ص) توأمان روحانی و جسمانی بود. نتیجه اینکه در اسلام حیات روحانی به‌نحو ظریفی با اهمیت معنوی بیت‌المقدس - به‌مثابه محل شروع مرحله عمودی سفر معنوی پیامبر (ص) به حضور خداوند - پیوند خورده است.

همچنین معراج به شیوه‌های دیگر بیت‌المقدس را با مکه پیوند می‌دهد. از آنجا که بخش زمینی معراج پیامبر (ص) از مکه به بیت‌المقدس صورت گرفت، بنابراین هر دو شهر نقشی اساسی در آن تجربه والای زندگی پیامبر (ص) ایفا کرده‌اند. از نظر مسلمین تجربه معراج بخشی از تاریخ مقدسشان است و آن را به قصه‌ها و حکایت‌های بی‌زبان تقلیل نداده‌اند. حال آنکه امروزه در غرب تاریخ مقدس یهود

و مسیحیت را حکایت‌هایی بی‌زیان تفسیر و تعبیر می‌کنند. دیگر اینکه، از زمانی که پیامبر (ص) در طی معراج به درک معنای باطنی مناسک اصلی اسلام یعنی نمازهای یومیه نایل گردید، این نمازها پیوندی خفی با بیت‌المقدس، و رای نقش آن به‌عنوان اولین قبله مسلمین، حفظ نموده‌اند. دیدگاه جهان‌شمول اسلام که به صراحت در قرآن بیان شده است، انبیاء ابراهیمی را همیشه شخصیت‌های مهمی در سپهر اسلام می‌داند. مسلمین باید همواره بیشترین احترام را برای ابراهیم (ع)، موسی (ع)، مسیح (ع) و سایر انبیاء پیش از پیامبر (ص) اسلام قایل باشند، صرف‌نظر از اینکه افراد مسیحی و یهودی در خصوص آنها چه می‌گویند.

این دیدگاه عام همچنین به‌نحو دقیقی با مواجهه‌های پیامبر (ص) با واقعیت روحانی انبیاء سلف در طی معراج مرتبط است. به‌سبب هماهنگی علوی بین خانواده انبیاء ابراهیمی - که وصف آن در قرآن آمده و پیامبر (ص) در معراج آن را به‌طور دقیق درک کرده است - مسلمین در طول تاریخ خویش، جز موارد استثنایی

غم‌انگیز، به یهودیان و مسیحیانی که در میان آنها می‌زیستند، پناه داده‌اند. فرمان عمر مبنی بر احترام به اماکن مسیحی در بیت‌المقدس الگوی عمل مسلمین بود و حقوق مذهبی مسیحیان و یهودیان و پرستشگاهها و اماکن مقدسشان در طی قرون در حکومت مسلمین محفوظ بود. در ذهن و ضمیر مسلمین، بیت‌المقدس مهم‌ترین مکان برای فرزندان ابراهیم باقی می‌ماند تا هم‌نوا زندگی کنند و این هم‌نوايي بخشی از فرمان خداوند به‌عنوان تقدیر این شهر است که با هدف ژرف معراج تأیید گردید. معراجی که آغاز سیر صعودی و ختم آن در این شهر و از صخره‌ای که خود آن محل پیوند بخش محوری تاریخ مقدس اسلام به محل تاریخ مقدس یهود و مسیحیت است، صورت گرفت.

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که در آن نگارش تجدیدنظرخواهانه تاریخ امری متداول شده است. اما به هر طریقی که کسی بخواهد به‌سبب دلایل سیاسی و ایدئولوژیکی تاریخ را تحریف نماید، هیچ‌کس نمی‌تواند این حقیقت را انکار نماید که یهودیان و مسیحیان قرن‌ها در

بین مسلمین در صلح و امنیت زیستند، هر چند که از تمامی حقوق اکثریت مسلمان برخوردار نبودند. اما تاریخ اسلام هیچ‌گاه شاهد حوادثی نظیر آنچه که در سالهای ۱۴۹۲ یا ۱۹۹۲ در اروپا رخ داد، نبوده است (مقصود اخراج مسلمانان و یهودیان از اسپانیا و قتل‌عام مسلمین در بوسنی در سالهای مذکور است). از نظر یک مسلمان، واقعیت معنوی بیت‌المقدس نماد هم‌نوایی بین ادیان ابراهیمی است، اگرچه اکنون بیت‌المقدس متحمل دوره‌های برخورد و تفرقه در تاریخ خود است و در نهایت، اهمیت واقعی علوی بیت‌المقدس که دائمی است، در زمین تجلی می‌کند و حرف آخر را خواهد گفت. در این میان صرف‌نظر از آنچه که رخ می‌دهد، بیت‌المقدس در قلوب مسلمین به‌عنوان قبله نخست، محل وقوع معراج و قلمرو حوادث آخرت که به همه مؤمنان مربوط است، به حیات خود ادامه می‌دهد. هر چند که امروزه بیشتر مسلمانان قادر به زیارت این شهر مقدس نیستند، اما افکار آنان به سفر به این ساحت منتخب خداوند به‌عنوان مکان بسیاری از بخشهای تاریخ مقدسشان ادامه می‌دهد. در

روزگاران گذشته کسانی که نمی‌توانستند به بیت‌المقدس سفر کنند، مقداری نفت می‌فرستادند تا در چراغهای مسجد آن بسوزد. اما امروزه این نیایشهای مسلمین است که در هر کجا که هستند، برای پیوستن به نیایشهای کسانی که هنوز در نزدیکی اماکن مقدس بیت‌المقدس هستند، فرستاده می‌شود. در این میان بیت‌المقدس معنوی و عرفانی در قلوب و اذهان مسلمین زنده است و هرگاه که عمیقاً به اعمال و آموزه‌های دینیشان می‌پردازند، با واقعیت علوی آن در رابطه هستند. یعنی هرگاه که به قبله روی می‌کنند یا به عالم معنا صعود می‌کنند یا در خصوص رستاخیز نهایی و پرشکوه انسان اندیشه می‌کنند، بیت‌المقدس پیوسته با جهان اسلام پیوند دارد.

«خداوند متعال و سبحان در خصوص بیت‌المقدس فرمود: تو باغ عدن و سرزمین برگزیده و متبرک من هستی. هرکس در آنجا می‌زید، به‌سبب رحمت من بر اوست و هرکس که آنجا را ترک می‌نماید، به‌سبب خشم من بر اوست.»